

قم شهر اسلامی

نفسه مرصوص (مریی و دانشجوی دکتری جغرافیا)

است؟ اگر گزینه دوم درست است، چرا به عنوان شهر دوره اسلامی معروف شده است؟ برای یافتن پاسخ بهتر است، ابتدا از وجه تسمیه قم آغاز کنیم.

وجه تسمیه

در مورد نامگذاری این شهر اقوال مختلفی وجود دارد که مهمترین آنها به این شرح است: شهر قم را از برای آن قم نام کردند که در ابتدای حال مستنقع میاه بود، یعنی جای جمع شدن آبها و آب تیمره و انار بدین زمین که امروز قصبه قم است جمع می شد و آن را هیچ منفذی و رهگذری نبود و از اطراف تیمره و انار آب می آمد و بدین موضع جمع می شد و به حوالی و جوانب آن انواع گیاه رسته شد و علفزار گشته، چنانکه چراگاه دو آب بود و روزگار از کثرت نبات و گیاه که بدین موضع سبز بود سبزشده تا غایت که این موضع را کبود دشت نام کرده بودند و در عرب جمع شدن آب را قم گویند ... بعضی دیگر گویند، ... که قصبه قم محل جمع و مستنقع آبهای تیمره و انار بود و او را هیچ منفذی و رهگذری نبود به جوانب آن، چندین علفزار و مرغزار به واسطه کثرت آب پیدا شده بود و از جوانب و اطراف رعاع و شبانان گردبرگرد آن خیمه

چکیده: از آنجا که قم یکی از شهرهای تاریخی ایران و نیز مرکزیت جهان تشیع است، شناخت ساختار تاریخی و چگونگی پیدایش و مراحل تکوین آن به عنوان الگوی شهر ایران باستان و، از سوی دیگر، الگوی اولیه شهر اسلامی دارای اهمیت خاصی است. با وجود تحقیقات ارزشمند مهندس احمد سعیدنیا و مارسل بازن در مورد قم همچنان در بررسی تاریخی ابهاماتی باقی مانده است. این مقاله در صدد روشن نمودن نقاط ابهام در مورد تاریخ پیدایش شهر قم، با توسل به منابع اصیل تاریخی است. بنابراین، مروری کوتاه در دوره های مختلف تاریخ قم، با رد فرضیه مارسل بازن و احمد سعیدنیا در مورد تاریخ پیدایش شهر قم و تکوین آن ضروری می نماید. بنابراین، به زعم نگارنده قم مدتها قبل از ظهور اسلام شهری بزرگ و آباد بوده و سپس در طول تاریخ بارها به دلیل حوادث و اتفاقات تاریخی ویران گشته است.

کلیدواژه: قم، تاریخ، دوره اسلامی، تاریخ ایران، تاریخ شیعه.

طرح مسئله

آیا به راستی قم یکی از شهرهای نوین یاد دوره اسلامی است یا اینکه مدتها پیش از ظهور اسلام وجود داشته

۱۴۸) نیز تکوین شهر جدید قم را در محل ده ممجان مربوط به دوره اسلامی می‌داند، به طوری که در قرن سوم به شهر بزرگی تبدیل شده است (نقشه^۱). کتاب تاریخ قم نیز که در سال ۳۷۸ هجری نگاشته شده و از کتابی به نام بنیان^۲ از احمد بن ابی عبدالله برقی، که در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ وفات یافته، نقل می‌کند، قم را شهری پروتق با تمامی اجزا و عناصر شهری معرفی می‌کند (نک: تاریخ قم، همان جا).

آنچه مسلم است اینکه قم، مدت‌ها پیش از ظهور اسلام وجود داشته و تاریخ ویرانی این شهر به دوره اسکندر نسبت داده شده است (کریمان و فقیهی، ص ۳۶). از آنجا که زمان حمله اسکندر به ایران در دوره داریوش سوم پادشاه هخامنشی بوده و این پادشاه در سال ۳۳۰ قبل از میلاد وفات یافته (حقیقت، ص ۲۷)، می‌توان گفت که شهر قم قبل از سال ۳۳۰ پیش از میلاد شهری آباد بوده و سپس به دست اسکندر ویران گشته است. زیرا نوشته‌های تاریخی دیگر نه تنها از قدمت پیش از اسلام قم حکایت می‌کنند، بلکه به آبادانی و سرسبزی آن در دوره‌های باستان اشاره دارند. چنانکه در کتاب راهنمای تاریخ و جغرافیای قم (ص ۶۹) آمده است: ... قم در قدیم الایام محل جمع شدن آبهای رودخانه اناربار بوده و در اطراف آن چراگاه حشم سلاطین بوده تا عهد سلطنت کیخسرو کیانی که به عزم افراسیاب حرکت کرد، چون اراضی قم را دید اظهار نمود که اگر این زمین را فرجه‌ای پیدا شود که آب از آن خارج گردد، محل کشت و زرع می‌خواهد شد. بنابه فرمایش پادشاه بیژن بن گیوسر گودرز، همت به آبادی آنجا گماشته، زمین بایری که فاصله میان قم و قمروود بود شکافته، فرجه‌ای از برای آن پیدا شده این محل شهر و مزارع خشک گشت. به حکم پادشاه چهل نفر از رؤسای لشکر چهل قلعه در اراضی قم بنا نمودند و چهل نهر از آب برداشته، چهل مزرعه مهیا کردند و به این واسطه مشهور به چهل حصاران شد و الان اکثر مزارع قم به

زدند و خانها بنا نهادند و مأوی ساختند و آن خانهای ایشان را به فارسی "کومه" نام نهادند، پس به مرور ایام و زمان در این اسم تحفیفی واقع شد و گفته شد کم، پس آن را معرب گردانیدند و گفتند: قم (حسن بن محمد قمی، ص ۲۲-۲۰). و نیز ابو عبدالله احمد بن محمد بن اسحق همدانی الفقیه روایت کند در کتابی که آن را بلدان نام کرده است که قم را قمار دین لهراسف بنا کرده است (همان، ص ۲۳). و نیز ... ابو عبدالله حمزه بن حسن اصفهانی در کتاب اصفهان یاد کرده است که چون اعراب اشعریان به قم آمدند در جوانب قم در خیمه‌هایی از موی منزل کردند، چون در این ناحیت متمکن شدند در صحاری هفت خطه و منزل ساختند و سراها و بناها و قصرها و عمارتها بنا نهادند و فرود آمدند و آن هفت ده [: ممجان و قزدان و مالون و جمر و سکن و جلنبادان و کمیدان است که الیوم قصبه و محله‌های قم است (نقشه^۱) ... چون سراهای ایشان بدین دیه‌های هفتگانه بسیار شد و به یکدیگر نزدیک گشتند از نامهای این هفت دیه نام کمیدان را اختیار کردند و مجموع این دیه‌های هفتگانه را کمیدان نام کردند، پس از مدتی چند در این نام اختصار کردند و چهار حرف از جمله شش حرف کمیدان بینداختند و بر دو حرف اختصار کردند و گفتند "کم" پس اعراب دادند و گفتند قم (همان جا).

از بررسی اقوال مختلف در وجه تسمیه قم چنین برمی‌آید که قم ابتدا نام فارسی باستان داشته و بعدها به دلایلی (شاید آمدن اعراب) نام آن تغییراتی یافته است.

تاریخ پیدایش

کتابهای قم را بشناسید (ص ۳۷) و تاریخ قم (ص ۲۳-۲۲) پیدایش قم را به مدت‌های پیش از اسلام نسبت می‌دهند. در حالی که محقق فرانسوی، مارسل بازن، در ص ۱۴۸ کتابش پیدایش قم را مربوط به بعد از آمدن اعراب اشعری در قرن هشتم هجری ذکر می‌کند. اما اگر قم حتی بعد از آمدن اعراب اشعری بنا شده باشد، این تاریخ درست نیست، زیرا اعراب اشعری ۷۰ سال بعد از فتح شهر باستانی قم، یعنی در سال ۹۴ هجری، به این شهر آمدند.^۱ احمد سعید نیا (ص

۱. مدرسی طباطبایی در کتاب راهنمای تاریخ و جغرافیای قم (ص ۷۰) این تاریخ را سال ۸۱ هجری ذکر کرده است.

۲. این کتاب از بین رفته و فقط نامی از آن باقی مانده است.

همان هسته شهر اسلامی است یعنی ممجان که با محله لب‌چال (لب‌خندق) در مقاله مهندس سعیدنیا منطبق است و اعراب اشعری در این محل مستقر شدند و تمام ساخت و سازهای شهر در اطراف این هسته از همان زمان تولد شهر ایجاد شده بود. پس به زعم نگارنده این نظر حسین کریمان و علی اصغر فقیهی (ص ۳۷) و نیز نظر احمد سعیدنیا (ص ۱۴۶) که محل شهر را در دوره پیش از اسلام در خارج از شهر دوره اسلامی ذکر می‌کنند لا اقل از دوره ساسانیان به بعد صحیح نیست.

شهر اسلامی

چرا قم به عنوان یکی از شهرهای نوین اسلام در تاریخ شهرت یافته است. همان‌گونه که ذکر شد قم مدت‌ها پیش از اسلام شهری مهم و آباد بوده و حتی در دوره ساسانیان (اگر نگوییم پیش از آن)، هسته شهر همان هسته شهر اسلامی، یعنی محله ممجان (لب‌چال) بود. بعد از اینکه در سال ۲۳ هجری قم به دست سپاه اسلام فتح شد، اهل آن جزیه قبول نمودند تا در خلافت عبدالملک مروان که حجاج بن یوسف ثقفی امیر عراقین شد. در سال ۸۱ یا ۸۳ هجری اعراب اشعری که گروهی از شیعیان مقیم کوفه بودند و از ظلم و ستم حجاج به این شهر هجرت نموده، با استقبال مردم رو به رو گشته در آن مقیم شدند. از آن به بعد شهر قم رو به آبادی نهاد و جمعیت آن زیاد شد (سعیدنیا، ص ۱۴۸؛ مدرسی طباطبائی، ص ۶۹). به طوری که در قرن سوم هجری یعقوبی (همان، ص ۴۹) آن را شهری بزرگ و جلیل‌القدر می‌نامد که با فاصله کمی از آن در کنار رودخانه‌ای که از آن می‌گذرد شهر دیگری به نام کمیدان قرار دارد. اهالی آن بیشتر از مذحج و سپس اشعریان و عده‌ای از عجم‌های کهن (زرتشتیان) و قومی هم از موالی هستند. در قرن هفتم هجری دیگر اثری از ایرانیان قدیم در قم نیست و همه اهل قم شیعه امامی هستند و این شهر در نهایت آبادانی است با چاه‌های آبی سرد و خوشگوار بناهایی از آجر و کاروانسراهایی در مسیر بیابانی قم و ری تا اینکه حمله مغول و سپس تیمور به این شهر در همین

همان اسم فرس قدیم مشهورند و در بعضی قلعه‌ها آثار آن پیدا است (نقشه ۲). و نیز کتاب تاریخ قم (همان‌جا) به نقل از کتاب سیرالملوک عجم، اساس پیدایش شهر قم را به دست بهرام گور می‌داند: چون بهرام گور به جانب بلاد ارمنیه می‌رفت اتفاقاً رهگذر بر دیهی بود از تخوم ساوه که آن را طخروود می‌گویند، بدین دیه آتشکده بنا نهاد و آتش در آن برافروخت و بازاری در آن پدید کرد و قم و رستاقهای آن را بنا نهاد و آن را ممجان نام نهاد و به مزدجان بارو کشید.

این سند به علاوه کتاب البلدان یعقوبی، مورخ و جغرافیدان نیمه دوم قرن سوم هجری، و نیز ذکر مکرر نام قم در شاهنامه فردوسی و توصیف زعفران آن در کتاب خسرو قبادان و ریدک (به نقل از کریمان و فقیهی، ص ۳۷ - ۳۶ و نیز شاهنامه فردوسی) ثابت می‌کند که پیش از اسلام شهر قم به صورت شهری با تمام اجزا و عناصر شهری آن زمان وجود داشته و از شهرهای آباد و مشهور دوره ساسانی بوده و محل آن، برخلاف تصور جملگی نویسندگان - اگر نگوییم از ابتدا لا اقل در دوره ساسانی در همان دیه ممجان بوده است و این برداشت که قم پیش از اسلام خارج از محدوده قدیمی شهر بنا شده بوده احتمالاً مربوط به دوره قبل از ساسانیان باید باشد که به دست اسکندر در دوره هخامنشیان ویران گردید و سپس در زمان قباد پادشاه ساسانی آباد شد و تا زمان یزدگرد نام آن ویران آباد کردکواد بوده یعنی قباد عمارت کرد و آبادان گردانید (حسن بن محمد قمی، ص ۲۴).

همان‌گونه که گفته شد، مورخ و جغرافیدان بزرگ یعقوبی نیز در کتاب البلدان (ترجمه ابراهیم آیتی، ص ۴۹) قم را چنین توصیف می‌کند: شهر بزرگ قم که به آن "منیجان" گفته می‌شود و شهری است جلیل‌القدر که گویند در آن هزار گذر است و درون شهر دژی است کهن برای عجم و در کنار آن شهری است که به آن "کمندان" گفته می‌شود و آن را رودخانه‌ای است در میان دوشهر آب در آن جاری است. با توجه به این سند مهم و سندی که قبلاً ذکر شد، هسته شهر قم پیش از اسلام

قرن، موجب ویرانی و خرابی و قتل عام مردم شد و آن را به صورت ویرانه‌ای درآورد، به طوری که یکی از جهانگردان که در این زمان قم را دیده از آن به عنوان **تل خاکی** یاد می‌کند (کریمان و فقیهی، ص ۴۱-۴۰).

بنابراین، اهل قم قبل از آمدن اعراب اشعری به این شهر اسلام آوردند و از شیعیان امیرالمؤمنین علی (ع) شدند. مهاجرت اعراب اشعری به قم مسلمان‌داری ارتباطاتی است که اهل قم با آنان داشته و به یقین از آنان برای مهاجرت به این شهر و خلاصی از ظلم حجاج دعوت می‌کردند. از آن زمان قم همواره پایگاه و پناهگاه شیعیان بوده و ورود حضرت فاطمه معصومه (س)، خواهر گرامی حضرت امام رضا (ع) در سال ۲۰۱ هجری و، سپس وفات ایشان در این شهر بعد از چند روز اقامت و در پی آن استقرار یافتن حرم مطهر آن حضرت در قم و توسعه و گسترش هسته مرکزی شهر به سمت آن، بر اهمیت مرکزیت تشیع آن افزود (مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ص ۱۷، کریمان و فقیهی، ص ۵۱-۵۰). به نظر می‌رسد این تبدیل و تحول سریع و جامع در آیین و رفتار مردم شهر قم در قرون اولیه اسلامی، سبب رواج شبهه‌نویسی بودن این شهر بعد از اسلام باشد.

منابع

- بازن، مارسل، قم شهر زیارتی و مرکز منطقه، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مجموعه مقالات جغرافیایی (۴)؛
- حقیقت ارفیع، عبدالرفیع، ۱۳۶۲، تاریخ قومس، انتشارات آفتاب، تهران؛
- سعیدنیا، احمد، ۱۳۶۶، "خاستگاه قم" شهرهای ایران، به کوشش یوسف کیانی، انتشارات ارشاد اسلامی، تهران؛
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه؛
- قمی، محمد بن حسن، ۱۳۶۱، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، انتشارات توس، تهران؛
- کریمان، حسین، فقیهی، علی اصغر، ۱۳۲۸، قم را بشناسید، انتشارات اداره فرهنگ قم؛
- مدرسه طباطبایی، حسین، ۱۳۳۵، در کتاب راهنمای تاریخ و جغرافیای قم؛ هموتربت پاکان، چاپخانه مهرقم، شهر یور؛
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۲۵۳۶، کتاب البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران؛ ■